

طرح مسأله

یکی از بحث‌های تفسیری که توجه قرآن‌پژوهان معاصر را به خود معطوف ساخته، هدفمندی سوره‌هاست. هر چند پیشینه اجمالی این نظریه به سده‌های گذشته برمی‌گردد،¹ اما تبیین، ترویج و نقد آن در عصر حاضر رونق یافته است.² مفسران معاصر در تفاسیر خود کم و بیش در رد، تأیید و تطبیق این نظریه بر سوره‌های قرآن کریم نکات دقیقی را گزارش کرده‌اند که از یک سو افق‌های جدیدی را در تفسیر قرآن کریم گشوده و از سوی دیگر زوایای پنهان آن را آشکار و بر دامنه بحث به ویژه در حوزه مبانی، اصول، ضوابط، روش‌ها و آثار افزوده است. یکی از مفسرانی که در آثار تفسیری خویش، این نظریه را با نگاه ویژه‌ای دنبال کرده است؛ آیت الله جوادی آملی است. در این نوشتار سعی خواهیم کرد با بررسی آثار ایشان، پاسخی برای سؤالات زیر در حد بضاعت علمی خویش فراهم سازیم.

مبانی این نظریه بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی چیست؟ ایشان بر اساس چه اصولی به تبیین نظریه هدفمندی سوره‌ها پرداخته‌اند؟ روش و شیوه کشف هدف اصلی هر سوره بر اساس چه مدل و الگویی است؟

مبانی نظریه

بی تردید هر نظریه‌ای بر پایه مبانی‌ای استوار است که صحت و سقم آن مبانی در درستی یا نادرستی نظریه، تأثیر بسزایی دارد. از این رو، به دست دادن هر گونه تجزیه و تحلیلی درباره هر نظریه‌ای از یک سو و به نقد نشستن و بررسی و داوری آن نظریه از سوی دیگر، وابسته به موشکافی علمی مبانی آن نظریه در گام نخست و تحقیق در آثار آن در گام دوم است. بنابراین مبانی، اصول و آثار هر نظریه‌ای، سه ضلع مثلث داوری عالمانه را شکل می‌دهد.

نوشتار حاضر به سه بخش مبانی، تبیین نظریه و نمونه‌ها تقسیم شده است. حال در ادامه به بررسی مبانی می‌پردازیم.



برخی از مبانی نظریه هدفمندی سوره‌ها در آثار مفسران و قرآن‌پژوهان آمده است³، که آیت الله جوادی آملی در آثار خود به بعضی از آن‌ها تصریح نکرده اند؛ از این رو، پذیرش یا عدم پذیرش این مبانی توسط ایشان روشن نیست. اما به دو مبنا یکی توقیفی بودن چینش آیات و دیگری که به نظر می‌رسد از نوآوری‌های ایشان محسوب می‌شود، یعنی فضای نزول پرداخته‌اند که گزارش مختصری از این مبانی ارائه می‌گردد.

1- توقیفی بودن چینش آیات

یکی از مبانی نظریه هدفمندی سوره‌ها، توقیفی بودن چینش آیات قرآن کریم است. به دیگر سخن، هنگامی می‌توانیم از هدفمندی سوره‌ها سخن به میان بیاوریم که به توقیفی بودن چینش آیات هر سوره معتقد باشیم؛ در غیر این صورت - اعتقاد به این که چینش آیات بر اساس دستور شخص پیامبر اکرم ﷺ نبوده است - هر گونه استدلالی در مورد دسته‌بندی آیات سوره‌ها و ارتباط میان آیات و دسته‌های آیات یک سوره و در نتیجه ارائه هدف بر اساس آن استدلالها، با ناکامی مواجه خواهد شد.

آنچه از فحوای گفته‌ها و نوشته‌های آیت الله جوادی آملی به دست می‌آید این است که چینش آیات قرآن کریم در یک سوره وحیانی است و چینش آیات فعلی قرآن کریم به دستور پیامبر اکرم ﷺ تنظیم شده است، از این رو بین آیات یک سوره، پیوندی خاص وجود دارد که باید در صدد کشف آن برآمد. به بیان دیگر، برای هر سوره حکمت و هدف ویژه‌ای است که بر اساس آن رسول مکرّم، آیات را در کنار هم قرار می‌داد؛ گر چه آن هدف، پیوند محتوایی نباشد بلکه حکمت و هدف دیگری غیر از ارتباط محتوا در کار باشد.

آیت الله جوادی آملی درباره نحوه چینش آیات قرآن کریم نوشته‌اند:

«چینش آیات هر سوره و نحوه تنظیم آن به دستور پیامبر ﷺ بوده و چنان که از ابن عباس نقل شده: «وقتی بر پیامبر، وحی نازل می‌شد، نویسندگان وحی را احضار می‌کرد و به آنان می‌فرمود: این آیات را در کنار فلان آیه از فلان سوره

قرار دهید» و اصحاب پیامبر اکرم ⁹ به همان ترتیبی که آن حضرت تعیین کرده بود قرآن را حفظ و تدریس می‌کردند.» (تسنیم، 423-422/6؛ همان، 9/503)

این نکته نیز شایان توجه است که مفسران دربارهٔ انواع نزول آیات و ارتباط آن با تناسب آیات سوره و هدفمندی سوره اختلاف نظر دارند. در میان مفسران به آن دسته از آیات که با یکدیگر و در یک مرحله نازل می‌شوند، «واحد نزول» گفته می‌شود. اگر سوره‌ای دارای یک واحد نزول باشد، که اغلب سوره‌های قرآن کریم این گونه‌اند، راه برای دستیابی به هدف سوره هموارتر است؛ اما هنگامی که سوره‌ای دارای دو یا چند واحد نزول باشد، دستیابی به هدف سوره در صورتی امکان‌پذیر است که نخست به اصل توقیفی بودن چینش آیات معتقد باشیم و در گام بعدی نیز به ارتباط و تناسب میان آیات با واحدهای نزول متفاوت پردازیم تا راه برای دستیابی به هدف سوره هموارتر گردد. به نظر می‌رسد آیت الله جوادی آملی دربارهٔ سوره‌هایی که دارای دو یا چند واحد نزول هستند، با توجه به پذیرش اصل توقیفی بودن چینش آیات درون سوره، به وجود تناسب و ارتباط میان آیات با واحدهای نزول متفاوت معتقدند و در مواردی به ذکر این تناسب پرداخته‌اند؛ اما در برخی موارد نیز از ذکر تناسب و ارتباط میان این گونه آیات خودداری کرده‌اند، با این وجود، هدف سوره را ذکر کرده‌اند.

2- فضای نزول

روشن است که هر متنی در جغرافیای خاصی شکل می‌گیرد که آن جغرافیا بر تعیین معنای آن متن اثرگذار است. حال اگر متنی بدون توجه به فضا(ها)ی خود، تفسیر شود، تفسیر ارائه شده از دایرهٔ تفسیر درست بیرون است. مفسران قرآن کریم عنایت و اهتمام ویژه‌ای به تبیین شأن و سبب نزول آیات قرآن نشان داده‌اند و اغلب به یک یا دو فضا برای فهم متن قرآن کریم معتقدند، اما آیت الله جوادی آملی به سه حوزهٔ جغرافیایی برای فهم متن قرآن کریم معتقدند: جوّ نزول، فضای نزول و شأن نزول. جوّ نزول مربوط به مجموع قرآن کریم است و فضای نزول مربوط به مجموع یک سوره است که عبارت است از بررسی اوضاع عمومی،



اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است. به دیگر سخن، در طی مدت نزول یک سوره در محدوده زندگی مسلمانان و جهان خارج حوادثی رخ داده و شرایطی خاص حاکم بوده است. کشف و پرده‌برداری از این رخدادها و شرایط و تبیین آن در آغاز هر یک از سوره‌ها، ترسیم فضای نزول آن سوره خواهد بود. در فضای نزول سوره، سخن از تعامل و تعاطی (تأثیر دو جانبه) فضای بیرونی با نزول سوره است؛ بدین معنا که هم فضای موجود مقتضی نزول سوره بود و هم نزول سوره فضا را دگرگون ساخت. و شأن نزول نیز مربوط به یک یا چند آیه است. آن چه در این جا با موضوع این پژوهش مرتبط است، فضای نزول است که مربوط به مجموع یک سوره است.

آیت الله جوادی آملی، با تأکید بر این نکته که میان فضای نزول هر سوره و معارف آن سوره ارتباط تنگاتنگی برقرار است، می‌نویسند:

«فضای نزول هر سوره با معارف آن تأثیر و تأثر متقابل و دو جانبه دارد... (تسنیم، 2/54). برای تبیین فضای نزول سوره که گاهی متصلاً و زمانی منفصلاً و در صورت تقطیع و انفصال، گاهی در کوتاه مدت و زمانی در میان مدت و هنگامی در دراز مدت انجام می‌شد، ضمن تحقیق مسائل گونه‌گون آن مدت متصل یا منفصل، می‌توان از یکسو از خطوط کلی و عناصر محوری عصر نزول و از سوی دیگر از جمع‌بندی شأن نزول‌های مقطعی کمک گرفت. باید عنایت شود که یکی از پیام‌های سودمند جوامع الکلم که به حضرت ختمی داده شد و آن حضرت با دریافت قرآن کریم خود را واجد آنها معرفی کرد، جامع‌نگری درباره عناصر محوری سه‌گانه مزبور است؛ یعنی معارف قرآن مجید ضمن پاسخ به شأن نزول، خصوصیت فضای نزول را از نظر دور ندارد، چنان‌که در عین رعایت دو عنصر یاد شده، به دردهای جهانی و مُعضلات عالمی و رنج‌های عصر نزول تدریجی قرآن کریم نگاه دارد، بنابراین باید هر آیه از آیات کریم طبق ظرفیتش تفسیر شود و سعه صدر مناسب با گستره وحی الهی لحاظ گردد.»

(تسنیم، 13/43؛ همان، 1/236؛ همان، 2/38)

آشنایی با فضای نزول هر یک از سوره‌های قرآن کریم، راهگشای تفسیر آیات، تشخیص هدف سوره و تبیین پیوند آیات آن سوره با یکدیگر است. همان‌گونه که بررسی دقیق مفاهیم آیات سوره، راهنمای مناسبی برای حدس به فضای نزول خواهد بود. بنابراین، هم آگاهی به فضای نزول از بیرون، شاهد خوبی برای استنباط دقیق مضامین سوره است، و هم اجتهاد کامل از درون، زمینه مساعدی برای حدس فضای نزول. هدف آن‌که، فضای نزول سوره، مفسّر را در تبیین صحیح مطالب جامع و کلی سوره یاری می‌کند.

تبیین نظریه

آیت الله جوادی آملی در آثار خویش، به صورت مستقل در جایی به تبیین این نظریه نپرداخته‌اند، بلکه به صورت پراکنده به زوایای گوناگون آن توجه داده‌اند. در این جا با گزارش و تجزیه و تحلیل مطالب مربوط به این نظریه در آثار بیانی و بنانی آیت الله جوادی آملی، تصویری از چارچوب نظریه هدفمندی سوره‌ها از دیدگاه ایشان ارائه خواهیم داد.

آیت الله جوادی آملی همه قرآن کریم را مانند یک جمله می‌دانند. همچنان که واژه‌های یک جمله با یکدیگر ارتباط لفظی و معنایی دارند، سوره‌های قرآن کریم نیز با یکدیگر ارتباط لفظی و معنایی دارند. با توجه به فحوای گفته‌ها و نوشته‌های ایشان، می‌توان همین نکته را به سوره‌های قرآن کریم نیز تسری داد. با این توضیح که هر سوره‌ای از قرآن کریم در حکم یک جمله مستقل است. همچنان که واژه‌های یک جمله با یکدیگر ارتباط آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و ... دارند و برای تأمین یک هدف در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، آیات یک سوره نیز با یکدیگر ارتباط آوایی، لفظی، معنایی، اسلوبی، محتوایی و ... دارند، و برای برجسته‌سازی جهت سوره و دستیابی به یک هدف در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. از این رو می‌توان گفت همچنان که واژه‌های یک جمله برای تأمین و رساندن یک هدف خاص در کنار یکدیگر با نظم و ارتباط خاصی قرار می‌گیرند، آیات یک سوره نیز برای انتقال یک هدف ویژه با نظم و ارتباط خاصی در کنار یکدیگر قرار



گرفته‌اند. این مطلب را بیفزاییم که هر چند آیت الله جوادی آملی مستقیماً به جمله بودن یک سوره اشاره نکرده‌اند؛ اما همین که به جمله‌بودن قرآن کریم اشاره کرده‌اند، برای برداشت این نکته - جمله‌گی سوره - از آن بحث - جمله‌گی قرآن کریم - کافی است. ایشان در توضیح این تعبیر قرآن‌شناسانه نوشته‌اند:

«تعبیر به این که همه قرآن مانند یک کلمه، یعنی یک جمله و همه ابعاض آن هماهنگ است، از لطیف ترین تعبیرهای قرآن شناسانه است؛ زیرا گاهی از آیه سوره‌ای برای تفسیر آیه سوره دیگر استفاده می‌شود و زمانی از آیه یک سوره برای آیه دیگر همان سوره بهره‌برداری می‌شود و گاهی از برخی الفاظ یک جمله برای روشن شدن الفاظ دیگر همان جمله استفاده می‌شود. پس پیوند مزبور بهترین پیوند است؛ زیرا منسجم‌ترین پیوند بین آیات قرآن که رقم آنها از شش هزار می‌گذرد و مدت نزول آن از بیست سال افزون است به این کیفیت است که مجموع قرآن به منزله یک جمله است.» (تسنیم، 22-3/21)

آیت الله جوادی آملی معتقد است که هر سوره، فصلی از فصول قرآن کریم است. به دیگر سخن، قرآن کریم کتابی است که به فصل‌های گوناگونی تقسیم شده است و بر اساس این نکته که هر فصلی به تبیین یک موضوع خاص می‌پردازد و مطالب جمع‌آوری شده در آن بر محور یک موضوع کلیدی استوار است و همان محور و موضوع کلیدی سبب همنشینی مطالب گوناگون در یک فصل شده است؛ هر فصلی حاوی یک هدف واحد خواهد بود. آیت الله جوادی جوادی آملی در این باره نوشته‌اند:

«آیات سوره بقره به تدریج نازل شده و بر موضوعات گوناگون مشتمل است و چون هر سوره به منزله فصلی از فصول قرآن کریم و در نتیجه دارای هدف و پیام واحد است، این سوره نیز دارای غرض واحد و جامع است.» (تسنیم،

(6/422)

آیت الله جوادی جوادی آملی در جایی دیگر به پیوند نهفته میان آیات یک سوره توجه داده‌اند و کشف آن را زمینه برای دستیابی به هدف و پیام سوره دانسته‌اند:

«بین آیات یک سوره، پیوندی خاصّ وجود دارد که باید در صدد کشف آن برآمد. به بیان دیگر، برای هر سوره حکمت و غرض ویژه‌ای است ... گرچه آن غرض، پیوند محتوایی نباشد بلکه حکمت و غرض دیگری غیر از ارتباط محتوا در کار باشد.» (تسنیم، 423-422/6)

فرایند کشف

پس از تبیین این نکته که هر سوره‌ای دارای یک هدف و جهت اصلی است، نخستین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که چگونه و از چه راه و روشی می‌توان به آن هدف و جهت واحد دست یافت؟ به دیگر سخن فرایند کشف هدفمندی یک سوره بر اساس چه شیوه‌ای استوار است؟ مفسران به این سؤال، پاسخ‌های گوناگونی داده‌اند و از روش‌های مختلفی سخن به میان آورده‌اند.

آیت الله جوادی آملی، بر اساس روش جامع‌نگرانه تفسیری خویش، فرایند کشف هدفمندی سوره را در گرو پیمودن راه‌های متعددی برمی‌شمارد که از فرایند همه راه‌ها می‌توان به هدف و جهت واحد هر سوره دست یافت. ایشان در این باره می‌نویسند:

«تشخیص خطوط کلی معارف هر سوره و دریافت پیام و هدف آن در گرو پیمودن راههای زیر است:

الف: تعیین مکی یا مدنی بودن سوره و بررسی فضای نزول آن.

ب: بررسی صدر و ذیل سوره؛ چون ذیل سوره از باب «رَدَّ الْعَجْزُ إِلَى الصِّدْرِ» به منزله جمع‌بندی مضامین سوره است.

ج: انسجام و پیوستگی مطالب و آیات سوره.

د: تکرار برخی مطالب در مضامین سوره.

هـ: بررسی غرر آیات (آیات برجسته) سوره که به منزله واسطه العقد آن سوره است.

و: بررسی شأن نزول برخی از آیات و فضای نزول مجموع سوره.

ز: رهنمود احادیث معتبر که در آگاهی دادن به سیر اصلی معارف سوره وارد

شده است. (تسنیم، 2/31)

ح: توجه به اسماء الحسنای به کار رفته در پایان آیات گوناگون یک سوره.»
برخی از راه‌های مذکور به صورت کاربردی در نمونه‌های پایان مقاله مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما به لحاظ اهمیت برخی از راه‌های بالا، به صورت جداگانه به بررسی آن‌ها پرداخته‌ایم.

1- اسماء الحسنی

یکی از راه‌هایی که برای کشف هدف سوره مورد استفاده قرار می‌گیرد، توجه به اسماء الحسنای به کار رفته در سوره است. هر چند عرفا از دیرباز در آثار و سخنان خود به تفصیل از اسماء الحسنی سخن گفته‌اند، اما دربارهٔ ارتباط میان اسماء الحسنای سوره و هدف آن به ندرت سخن به میان آورده‌اند. پرداختنِ تفصیلی به این موضوع در این گزیده امکان‌پذیر نیست، بنابراین، به اختصار به اشاراتی اکتفا می‌کنیم.

مجموعهٔ عالم هستی تجلیات اسماء جمال و جلال خداوند است. این تجلیات گاه در قالب کثرت ظهور می‌کنند و گاه در قالب وحدت. قسم دوم تنها از طریق تنزّل به جامهٔ کثرت درمی‌آید. قرآن کریم که از نوع دوم است، تنها با تنزّل فهم‌پذیر می‌شود و بدون تنزّل نه قابل فهم خواهد بود و نه در دسترس قرار خواهد گرفت. به دیگر سخن، این تجلیات یا فرقانی‌اند و یا قرآنی. تجلیات قرآنی تا زمانی که تنزّل نکرده باشند، به لحاظ ویژگی وحدتی خود، تمام عالم هستی را در درون خویش دارند. از سوی دیگر، اسماء الحسنای خداوند به سه قسم اسماء ذات، اسماء صفات و اسماء افعال تقسیم می‌شوند. تجلیات قرآنی، مظهر همهٔ اسماء‌اند و بر «سوره» که مظهر تجلیات همهٔ اسماء خداوند متعال است، صدق می‌کند و تجلیات فرقانی مظهر اسمی از اسماء الحسنی‌اند که تبدیل به «آیه» می‌شوند. حال اگر این تجلیات اسمایی به نحواعتدال ظهور یابند، مظهر همهٔ اسماء الحسنی خداوند خواهند بود و اگر به نحو اعتدال ظهور نیابند، مظهر یک اسم از اسماء الحسنی خداوندند. البته باید بیفزاییم که در این حالت نیز، مظهر همهٔ اسماء الحسنی خداوند خواهند بود اما بالتبع و مظهر یک اسم بالاصاله. یعنی یک اسم از



اسماء الحسنی خداوند بر این سوره به صورت اصلی حاکم است و بقیه اسماء الحسنی خداوند به صورت فرعی در آن تجلی پیدا می‌کنند که در زیر سیطره آن اسم حاکم قرار دارند. از این رو، برخی معتقدند که سوره «قدر» مظهر اسم «الولی» و سوره «توحید» مظهر اسم «احد» و سوره «حمد» مظهر اسم «واحد» است. حال با توجه به این توضیحات به بررسی نظرات حضرت آیت الله آملی می‌پردازیم.

آیت الله جوادی آملی معتقد است که یکی از مهم‌ترین و مطمئن‌ترین راه‌های کشف هدف هر سوره‌ای، بررسی اسماء الحسنای به کار رفته در آن سوره است. برای استفاده از این روش چند گام باید پیموده شود. نخست لازم است مضمون هر آیه را به دست آوریم، سپس اسماء الحسنای آن آیه را کشف کنیم. از آن جا که اسماء الحسنای هر آیه‌ای ضامن مضمون آن آیه است، قدر مشترک مضمون به دست آمده از آیه را با محک قدر مشترک اسماء الحسنای به کار رفته در آن آیه صیقل دهیم تا به قدر مشترک آیه دست یابیم. همین مراحل را برای سوره نیز طی کنیم. یعنی نخست مضمون سوره را به دست آوریم، سپس اسماء الحسنای سوره را نیز مد نظر قرار دهیم. در مرحله بعدی قدر مشترک سوره را با قدر مشترک اسماء الحسنای سوره مطابقت دهیم تا به قدر مشترک سوره دست پیدا کنیم. این قدر مشترک، همان هدف و جهت سوره خواهد بود.⁴

آیت الله جوادی آملی در تفسیر سوره بقره به صورت کلی به دو نکته درباره اسماء الحسنای سوره‌های قرآن کریم اشاره کرده‌اند:

«یکم. سوره‌های قرآن حکیم همانند اسمای حسنای الهی هر یک گذشته از اشتمال بر معارف خاص خود، شامل مطالب سوره‌های دیگر نیز هستند. تفاوت سُوَر نظیر تمایز اسمای خدا، در ظهور و خفا و سرّ و علن بودن ره‌آورد آنهاست، از این‌رو تلخیص سوره، صَعْب، بلکه مُسْتَصَعَب است.

دوم. همان‌طور که اسمای الهی از نظر عظیم و اعظم بودن یکسان نیستند، معارف سوره‌های قرآنی نیز از جهت مهمّ و اهمّ بودن همتای هم نخواهند بود.»

(تسنیم، 12/747)



توجه به این نکته لازم است که از نگاه ایشان الفاظی که کتاب و سنت در بیان اسمای الهی آورده است، اسمای حسنای خدا نیست، بلکه اسماء الأسماءند. برای اسمای الهی آثار فراوانی ذکر شده است که مقصود از آن، حقایق عینی از یک سو و مظهر آن حقایق شدن از سوی دیگر است؛ یعنی هرگز صرف لفظ یا مفهوم مؤثر نیست تا کسی با اجرای آن لفظ یا تصور آن مفهوم، مشکلی را حل کند. (تسنیم، 12/138).

آیت الله جوادی آملی، هر اسمی از اسمای حُسنای الهی را سند کار معینی برشمرده‌اند و دلیل ذکر اسمای خاصی را در پایان آیه، سند محتوا و مضمون خود آن آیه دانسته‌اند. بنابراین اگر آیه‌ای درباره آگاهی خدای سبحان از نهان و آشکار انسان سخن گفت، مشاهده می‌کنیم که در آخر آن آیه، اسماء حسنای متناسب با مضمون آیه یعنی (إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) به کار رفته است. یا مثلاً ذیل آیه 255 سوره بقره، جمله وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ آمده که مانند همه اسمای حسنای آمده در پایان آیات، به منزله تعلیل مفاد کل آیه است. بیان تعلیل در ذیل آیه - یعنی اینکه ذیل آیه دلیل محتوای آن است - شواهد فراوانی دارد؛ مانند اسم «غفور» و «رحیم» در پایان آیه 102 سوره توبه (وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) که دلیل دادن توفیق توبه به گنهکاران است.⁵ نیز بیفزاییم که این اختصاصی به پایان آیه ندارد در پایان سوره، آغاز سوره و آغاز آیه نیز همین طور است. گاهی آغاز آیه به اسمی از اسمای حُسنای الهی شروع می‌شود که این آغاز عهده‌دار تبیین محتوای آن آیه است. پس بین این امور چهارگانه فرقی نیست، یعنی یا اول سوره یا آخر سوره، یا اول آیه یا آخر آیه اسمی از اسمای حُسنای الهی ذکر می‌شود که عهده‌دار معارف آن سوره یا آن آیه است.

آیت الله جوادی آملی در جای دیگری به هماهنگی بسم الله هر سوره با محتوای آن سوره اشاره کرده‌اند و این نکته را با اسمای به کار رفته در پایان آیات که با محتوای آیات هماهنگ است، متناظر ساخته‌اند و نوشته‌اند:

«اختلاف معنوی و اشتراك لفظی آیات (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) از آن روست

که بسم الله هر سوره جزئی از آن سوره و با محتوای آن هماهنگ و به منزله عنوان و تابلو آن سوره است و چون مضامین و معارف سوره‌های قرآن با یکدیگر متفاوت است، معنای بسم الله نیز در سوره‌ها مختلف خواهد بود و در هر سوره درجه‌ای از درجات و شأنی از شئون الوهیت خدای سبحان و رحمانیت و رحیمیت او را بازگو می‌کند و از این جهت همانند اسمای خداوند در پایان آیات است که با محتوای آیات هماهنگ و به منزله برهانی بر محتوای آن است. بر این اساس، اگر محتوای سوره‌ای به خوبی تبیین شود، تفسیر بسم الله آن سوره نیز روشن خواهد شد. توضیح این که، در آیه کریمه (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) هم سخن از «الله» است که اسم جامع و اعظم خدای سبحان است و سایر اسمای حسنی الهی را زیر پوشش داشته، در هر سوره ظهوری خاص دارد و هم سخن از «رحمت رحمانیه» است که همه صفات خدای سبحان زیر پوشش آن است و در هر مظهري با اسمی خاص ظهور می‌کند؛ در سوره‌هایی که محتوایی مهرآمیز دارد و اوصاف جمالیه خداوند را مطرح می‌کند، در چهره «جمال» و در سوری که مضامینی قهرآمیز دارد و غضب الهی را بازگو می‌کند، در چهره «جلال» تجلی می‌کند و از این رو برخی گفته‌اند: کلمه الرحمن نیز همانند کلمه الله اسم اعظم است. بنابراین، تفسیر «بسم الله...» به اختلاف سوره‌ها متفاوت است.» (تسنیم، 1/291)

2- غرر آیات

همان گونه که پیش‌تر اشارت رفت، یکی دیگر از راه‌های کشف هدفمندی سوره، بررسی آیات غرر سوره است. به نظر می‌رسد آیت الله آملی با الهام از روش تفسیری استاد خود علامه طباطبایی، تنها مفسری است که برای کشف هدف سوره به این مورد توجه داده‌اند. ایشان آیات غرر را که اغلب آیات توحیدی‌اند، آیاتی دانسته که راهگشای بسیاری از آیات دیگر، بلکه پایه و میزان عدل و مصباح روشنی برای حل پیچیدگی‌های بسیاری از احادیث⁶ است. وی معتقد است جمع‌بندی و عصاره اهداف و پیام‌های خرد هر سوره در آیات غرر آن سوره متبلور است. در هر سوره‌ای، آیاتی کلیدی وجود دارد که بسان



خورشیدی بر دیگر آیات آن سوره پرتوافشانی می‌کند و پیوسته جهت و هدف کلی آن سوره را به مخاطب القا می‌کنند. به دیگر سخن، خود چونان سوره‌ای است در درون سوره‌ای دیگر. آیت الله جوادی آملی در کشف هدف سوره بقره، آل عمران و ... از این روش بهره جسته‌اند. ایشان هدف اصلی سوره آل عمران را بر اساس آیات غر آن - آیات 1 و 2 و 18 و 26 و 27 - ، «توحید حق و به ویژه توحید افعالی» دانسته‌اند و آیات مذکور را که دارای برجستگی خاصی‌اند، در حکم واسطه العقد این سوره و تلخیص آیات گذشته برشمرده‌اند.⁷

آیت الله جوادی آملی در جای دیگری در این باره افزوده‌اند:

«محتوای آیاتی چون (شَهَدَ اللهُ) و (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ) که از جایگاهی ویژه برخوردارند، می‌تواند خط اصلی حاکم بر این سوره و به سخن دیگر، هدف سوره را بشناساند، زیرا آیه (شَهَدَ اللهُ) در این سوره مانند «آیه الکرسی» در سوره «بقره»، در برابر دیگر آیات به خوبی می‌تابد و نشان می‌دهد که خط اصلی در این سوره، بیان توحید حق، به ویژه توحید افعالی اوست؛ یعنی حضور و ظهور خدای سبحان را در همه امور برمی‌شمرد.» (تسنیم، 13/549)

3- فضای نزول

همچنان که پیشتر رفت، یکی از راه‌های تشخیص هدف و جهت سوره، توجه به فضای نزول سوره است. گفتیم آیت الله جوادی آملی معتقد است که میان فضای نزول هر سوره‌ای و معارف آن ارتباط تنگاتنگی برقرار است و نه تنها فضای نزول سوره بر جهت دهی معارف سوره اثرگذار است، بلکه متقابلاً معارف سوره نیز متناسب با فضای نزول سوره تفسیر و تبیین پیدا خواهند کرد. ایشان، با ظرافت منحصر به فرد خویش، به این نکته در بیان هدف سوره‌های قرآن کریم توجه کرده‌اند. از جمله در ذکر جهت و هدف سوره آل عمران نوشته‌اند:

«قلمرو رسالت حضرت ختمی نبوت ﷺ تمام منطقه‌های بشر نشین یعنی جهانی بود، هر چند رهنمودهای محلی، منطقه‌ای و بین المللی آن حضرت جداگانه تعلیم و اجرا می‌شود. چنین عنصری در مقطع نزول سوره‌ای معین مانند «آل عمران»، فضای ویژه‌ای دارد... هر چند اتحاد، فضیلت خاص انسانی است، عنصر محوری

آن توحید است که در مکه کانون شرک به دست نمی‌آمد؛ یا بسیار ضعیف بود، از این رو، دعوت آن جامعه به اتحاد دشوار به نظر می‌رسید؛ لیکن در مدینه که شرک برچیده شد یا رو به سستی و سقوط داشت، رهنمود اتحاد بی‌اثر نبود. تعامل فضای نزول این سوره با معارف آن را می‌توان از یکسو در تأسیس کانون وحدت محلی میان مسلمانان مدینه و دستور به اعتصام همگانی به حبل متین الهی و از سوی دیگر در تشکیل جبهه اتحاد منطقه‌ای بین امت اسلامی و نصارا و یهود به باور کردن توحید و نفی شرک و نپرستیدن جز خدا و نفی رژیم ارباب و رعیتی بررسی کرد و تعامل فرهنگی متقابل را می‌توان در گفت‌وگو و گفت‌وگو و مناظره و محاجه‌های این سوره مشاهده کرد.» (تسنیم، 13/44)

4- صدر و ذیل سوره

آیت الله جوادی آملی در کشف هدف سوره بقره از روش کشف بر اساس انسجام و هماهنگی صدر و ذیل سوره بهره جسته‌اند. در این سوره، در اولین آیات آن سخن از ایمان پرهیزکاران به غیب و کتابهای آسمانی و کفر و انکار کافران و منافقان نسبت به این حقایق است و در پایان سوره نیز سخن از ایمان رسول و مؤمنان به وحی، فرشتگان و رسولان الهی و عدم تفریق بین مرسلین است.⁸

ایشان در جای دیگری بر اساس قاعده «رَدَّ الْعَجْزِ إِلَى الصِّدْرِ» به تبیین هدف سوره ی بقره پرداخته‌اند و افزوده‌اند:

«قرآن کریم معمولاً در پایان هر سوره، خلاصه آن را از باب «رَدَّ الْعَجْزِ إِلَى الصِّدْرِ» بیان می‌کند، از این رو دو آیه پایانی سوره «بقره»، چکیده و جمع‌بندی معارف سوره در سه اصل ایمان به خدا، باور معاد و قبول علمی و عملی همه کتابهای آسمانی و رسولان الهی است. برخی از مفسران، آیه را ناظر به آیه قبل می‌دانند؛ ولی ضمن حفظ نظم و ارتباط با آیه سابق، پیوند آیه با آیات آغازین سوره روشن است، زیرا در نخستین آیات سوره «بقره» از ایمان به اصول و فروع سخن گفته شد و آیات پایانی مصداق روشن متقیان را که در صدر بیان شده رسول خدا و همراهان وی می‌داند و با مطرح کردن سه اصل ایمان به خدا، پیامبران و کتب آسمانی و معاد، به اصل عدل و امامت نیز به طور ضمنی



می‌پردازد، چون اعتقاد به خدا و صفات او باور به عدل را در پی دارد و ایمان واقعی به رسول خدا ⁹ مستلزم اعتقاد به امامت عترت طاهرین است.»
(تسنیم، 12/685)

آیت الله جوادی آملی در کشف هدف سوره کهف نیز از همین روش بهره جسته‌اند. عناصر محوری سوره مبارکه «کهف»، اصول دین یعنی توحید، وحی و نبوت و معاد و خطوط کلی اخلاق، فقه و حقوق است. صدر و ساقه این سوره درباره وحی و نبوت است. اول این سوره، سخن از وحی است (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِي الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا) و آخر این سوره هم جریان وحی است که آخرین آیه سوره مبارکه «کهف» این است (قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ). این همان ردّ العجز الی الصدر است که از محسنات بدیعی است.⁹ بنابراین، می‌توان گفت که هدف اصلی و جهت محوری سوره کهف، وحی و نبوت است.

ایشان در بیان هدف سوره اسراء نیز از این شیوه استفاده کرده‌اند و در تفسیر آیات پایانی این سوره (آیات 111-110) نوشته‌اند:

«بخش پایانی سوره مبارکه «اسراء» هم به بخش آغازینش برمی‌گردد و هم عصاره مطالب این سوره را به همراه دارد. یکی از آن آیاتی که در بخش پایانی قرار گرفته این آیه است: (قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا* وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا) (110-111) (تفسیر سوره اسراء، 1386/8/28).»

5- تکرار برخی مطالب در مضامین سوره

یکی دیگر از راه‌های کشف هدف سوره، تکرار هدف به صورت مستقیم یا غیر مستقیم - از طریق ذکر لوازم و شئونات - در آیات، بخش‌ها و مضامین سوره است. آیت الله جوادی آملی با توجه به این نکته در مورد تناسب آیات 182 - 178 سوره بقره با هدف این سوره نوشته‌اند:

«... تقوا عنوان عام تربیت قرآنی و محور مهم سوره بقره است... در آیات

178-179 بیان شد که قصاص جانی، از عوامل تقوا در جامعه اسلامی است. در آیات مورد بحث نیز بیان می‌شود که اهل تقوا در مسئله وصیت و ارث نیز باید طبق حکم خدا عمل کنند. به دلالت این آیات، از صفات متّقین، هدایت‌پذیری از خدای متعالی در موضوع وصیت و ارث است. وصیت باید بر پایه تقوا و عدل انجام شود...» (تسنیم، 9/209)

6- حروف مقطعه و هدف سوره

نویسنده تفسیر تسنیم در تبیین نظریه هدفمندی سوره‌ها برای شفافیت بخشیدن به این نظریه، ضمن برشمردن زوایای ایجابی آن، گاه به ذکر نکات سلبی درباره این نظریه نیز پرداخته‌اند تا در چارچوب تعریف خویش از دو ویژگی تعریف-جامعیت و مانعیت- نهایت استفاده را نموده باشند. به عنوان نمونه، ایشان در ردّ این قول که حروف مقطعه به منزله خلاصه و هدف اجمالی محتوای سوره‌اند، آورده‌اند:

«در این صورت باید سایر سوره‌ها نیز دارای چنین عنوانی باشد؛ زیرا کتاب منسجمی مانند قرآن باید در این بخش نیز منسجم باشد؛ چنانکه خدای سبحان درباره همگونی همه اجزای قرآن می‌فرماید: الله نزل أحسن الحديث كتاباً متشابهاً
مثانی.»

هر چند آیت الله جوادی آملی حروف مقطعه را به منزله هدف سوره ندانسته‌اند (سلبی)، اما از زاویه دیگری (ایجابی) معتقدند که میان حروف مقطعه مشترک میان برخی از سوره‌های قرآن کریم و هدف آن سوره‌ها ارتباط برقرار است. در تأیید گفته خویش نیز، به آیات بعد از حروف مقطعه این سوره‌ها توجه داده‌اند که افزون بر اشتراک حروف مقطعه این گونه سوره‌ها؛ آیات پس از حروف مقطعه در این سوره‌ها نیز عین هم و یا بسیار شبیه به هم است. مثلاً هفت سوره حوامیم که با «حم» شروع شده‌اند، هدف مشترکی دارند. این شروع مشترک، نشانگر مضمون مشترک و هدف ویژه‌ای است که این سوره‌ها دارند. سرآغاز این سوره‌ها، بیان تنزل وحی، دریافت وحی، و محتوای اجمالی وحی است.¹⁰ جالب این جاست که آیات پس از این حروف مقطعه با عبارت «تنزیل الكتاب من الله» و



یا عبارت‌هایی نزدیک به همین عبارت آغاز شده‌اند و یا سوره‌های مُصَدَّر به «الر» با «تلك آیات الكتاب» یا الفاظی که مفید همین مضمون است شروع می‌شود و یا در سوره‌هایی که با حروف مقطعه «الم» آغاز می‌شوند، در آغاز آن «نفی ریب از قرآن» مطرح شده است. بر اساس شواهد مذکور می‌توان حدس زد که بین حروف مقطعه و مضامین سوره‌هایی که با حروف مزبور آغاز می‌شوند، پیوند خاصی است. یکی دیگر از شواهد این مدعا این است که هر گاه سوره‌ای دارای حروف مقطعه دو سوره دیگر باشد، جامع محوره‌های اصلی محتوای آن دو سوره نیز خواهد بود؛ چنانکه سوره اعراف که با «المص» آغاز می‌شود جامع محتوای سوره‌هایی است که با «الم» و «ص» آغاز می‌شود و یا سوره رعد که با «المر» آغاز می‌شود جامع محتوای سوره‌هایی است که با «الم» و «الر» شروع می‌شود. نتیجه این که، حروف مقطعه رموزی میان خدای سبحان و رسول اکرم ﷺ است که بر اغیار مستور است و فهم‌های عادی را بدان راهی نیست. تنها نکته‌ای که از این حروف مقطعه برای ما روشن می‌شود این است که بین حروف مزبور و بین مضامین سوره مُصَدَّر به آنها ارتباط خاص است.¹¹

ایشان درباره ارتباط حروف مقطعه و هدف سوره نوشته‌اند:

«در ابتدای همه سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شود به استثنای سوره‌های چهارگانه مریم، عنکبوت، روم و قلم واژه «کتاب» یا «قرآن» آمده است و در آغاز یا متن آنها سخن از وحی و عظمت قرآن است، لیکن با بررسی بیشتر معلوم می‌شود که در آن چهار سوره نیز سخن از وحی و رسالت و قرآن مطرح است. در سوره قلم آیاتی مانند (مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ) (آیه 2) آمده و در سوره مریم، قصه بسیاری از پیامبران، مانند یحیی و عیسی ﷺ ذکر شده است. پس محور مطالب سوره مریم نیز نبوت عامه و برخی از نبوت‌های خاصه است؛ چنانکه عصاره مطالب سوره عنکبوت و روم نیز وحی و نبوت و اعجاز است. حاصل این که، 29 سوره‌ای که حروف مقطعه دارد، از جمله حوامیم سبعة و طواسین، در آغاز یا متن آنها سخن از وحی و نبوت و کتاب است و در نتیجه یکی از مطالب مشترک بین سوره‌های دارای حروف مقطعه، نبوت و

رسالت الهی است.» (تسنیم، 2/66)

این نکته را نیز بیفزاییم که حروف مقطعه در راستای تشخیص هدف سوره، به عنوان ابزار تحدیدکننده هدف سوره، مورد استفاده قرار می‌گیرند و روشن است که این حروف با توجه به ماهیت رمزگونه بودنشان، نقش تعیین‌کننده در مورد هدف سوره ندارند.

نمونه‌ها

آیت الله جوادی آملی در تفسیر گرانسنگ خویش و نیز در درس تفسیری خود در موارد متعددی به تطبیق نظریه هدفمندی سوره‌ها بر سوره‌های گوناگون پرداخته‌اند. توجه به کاربردهای این نظریه در آثار ایشان از یک سو، خوانندگان عزیز را با دیدگاه ایشان درباره این نظریه بیشتر آشنا می‌سازد و از سوی دیگر، مقایسه نظرات ایشان را با دیدگاه‌های دیگر مفسران در خصوص هدفمندی یک سوره امکان‌پذیر می‌سازد. و از سوی سوم، زمینه را برای نقد و داوری عالمانه فراهم می‌سازد. از این رو در ادامه به گزارش نظرات ایشان درباره هدف و جهت برخی از سوره‌ها می‌پردازیم.

1- سوره حمد

هر چند آیت الله جوادی آملی در مورد هدف سوره حمد به دو هدف اشاره کرده‌اند؛ اما لحن نوشتار روشن می‌سازد که منظور از دو هدف مذکور، دو هدف اصلی سوره نیست، بلکه در حقیقت هر هدفی ناظر به یک بخش از سوره است. با این توضیح که سوره حمد، از دو بخش تشکیل شده است: یکی بخش نخست که ناظر به اظهار بندگی است و دیگری بخش دوم سوره که ناظر به استعانت است. آیت الله جوادی آملی برای هر بخش یک هدف فرعی ذکر کرده‌اند که قابل جمع با یکدیگرند. به دیگر سخن، هر دو هدف، دو روی یک سکه و دو سر یک پیکان‌اند، یک طرف خداوند است و طرف دیگر بندگان. با این توضیح می‌توان گفت هدف



سوره حمد، تعلیم بندگی و استعانت از خداوند است. آیت الله جوادی آملی در این مورد می‌فرمایند:

«با بررسی خطوط کلی معارف سوره حمد و مباحث محوری آن، روشن شد که هدف این سوره تعلیم و آموزش ادب تحمید و شیوه اظهار بندگی در برابر خدای سبحان است. تعلیم شیوه استعانت و طلب هدایت از خداوند و آشنایی به کیفیت پیمودن راه نیز هدف دیگر این سوره است. (تسنیم، 1/273)

چنین به نظر می‌رسد که از جهت حکمت نظری، مضمون خبری آیه مبارکه (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) و از جهت حکمت عملی، مضمون خبری آیه کریمه (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) از غرر آیات سوره حمد محسوب می‌شود. (تسنیم، 1/270)

بر اساس حدیثی قدسی، سوره مبارکه حمد، که در مقام تعلیم ادب تحمید و شیوه اظهار بندگی است، بین خدای سبحان و عبد سالک تقسیم شده است؛ بخش اول آن که پنج آیه دارد و مشتمل بر حمد و ثنای الهی و خشوع و خضوع در برابر اوست، از آن خداست و بخش پایانی سوره که دو آیه دارد و مشتمل بر دعا و طلب است، سهم عبد سالک است. «(تسنیم، 272-1/271)

2- سوره بقره

آیت الله جوادی آملی به صورت مفصل در تفسیر بخش‌های گوناگون سوره بقره به بررسی هدف اصلی این سوره پرداخته‌اند و نکات بسیاری درباره هدف آن نوشته‌اند. ایشان در تبیین پیام اصلی این سوره از ترکیب راه‌های پیش‌گفته بهره‌جسته‌اند و دیدگاه خود را درباره هدف واحد این سوره استحکام بخشیده‌اند. گاه از تعامل فضای نزول سوره و هدف آن یاد کرده‌اند، گاه از طریق برقراری ارتباط میان صدر و ذیل سوره به هدف آن توجه داده‌اند، در جایی به نقش غرر آیات در ظهور هدف سوره اشاره کرده‌اند، در جایی دیگر خواننده را از طریق انضمام اهداف فرعی بخش‌های سوره به هدف اصلی رهنمون ساخته‌اند، گاه نیز از راه بررسی اسماء الحسنای آیات گوناگون سوره، برای دستیابی به هدف سوره بهره‌جسته‌اند. ایشان، نخست سوره را به یک مقدمه و چند فصل و یک خاتمه تقسیم

کرده‌اند تا زمینه برای رصد هدف سوره فراهم شود و سپس به گزارش تناسب فصول با یکدیگر در راستای هدف نهایی سوره همت گماشته‌اند. رهاورد این تلاش‌ها و کوشش‌ها، ارائه هوشمندانه هدف سوره است به طوری که می‌توان گفت هر آیه این سوره، به زبان بی‌زبانی آن هدف را فریاد می‌کند.

آیت الله جوادی آملی درباره هدف سوره بقره نوشته‌اند:

«اگر موضوع اصلی در سوره «بقره» تسلیم و عبودیت محض نسبت به خداوند و گریز از هواهای نفسانی است، و به بیان دیگر اگر موضوع اصیل این سوره «هدایت متقین»؛ (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) و دعوت به «تقوا» است این موضوع یک مقدمه، چند فصل و یک خاتمه دارد؛ مقدمه آن، تقسیم مردم به سه گروه پرهیزکاران، کافران و منافقان و ویژگیهای آنان است. که بیست آیه آغازین این سوره را تشکیل می‌دهد و خاتمه آن نیز جمع‌بندی و بیان اجمالی از تفصیل سوره است که در دو آیه پایانی این سوره آمده است.»

(تسنیم، 6/424)

آیت الله جوادی آملی درباره هدف سوره بقره که بزرگترین سوره و به لحاظ موضوعات متنوع‌ترین سوره است، به یک هدف کلی اشاره کرده‌اند و نوشته‌اند:

«گرچه آیات این سوره به تدریج نازل شده و مشتمل بر موضوعات گوناگون است، ولی از آن جا که هر سوره به منزله فصلی از فصول قرآن کریم و در نتیجه دارای هدف و پیام واحد است، این سوره نیز دارای غرض واحد و جامعی خواهد بود. هدف واحدی که می‌توان از مباحث متنوع این سوره انتزاع کرد این است که مقتضای بندگی خدای سبحان، ایمان به همه پیامبران و همه کتابهای آسمانی است و بر این اساس، کافران و منافقان را بر اثر نداشتن ایمان مذمت می‌کند و اهل کتاب را به خاطر بدعت‌هایشان، از جمله تفرقه در دین خدا و فرق گذاشتن بین پیامبران، ملامت می‌کند و احکامی را که ایمان به آنها مقتضای اسلام است بیان می‌کند.» (تسنیم، 2/33)

آیت الله جوادی آملی پس از گزارش اجمالی تقسیم‌بندی سوره به ذکر ارتباطات میان بخش‌های آن می‌پردازند و بر اساس هدف سوره یعنی دعوت به



تقوا و هدایت متقین، میان آن دسته از آیات که به اوصاف غیر متقین می‌پردازند و دسته دیگری از آیات که به اوصاف متقین می‌پردازند، پلی برقرار می‌سازند و از رهگذر آن، هدف سوره را استحکام بیشتری می‌بخشند.

در مقدمه سوره بقره، انسان‌ها به دو گروه کلی تقسیم شده‌اند: متقیان و غیرمتقیان و تنها راه سعادت، حرکت در مسیر متقیان و خسران و ضلالت در دو کژراه منافقان و کافران معرفی شده است. سپس با خطاب (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) در آیه 21 و با اشاره به شمه‌ای از نعمت‌های الهی و تثبیت حقانیت رسول مکرم و آنچه بر آن حضرت نازل شده از طریق تحدی و با اشاره به عاقبت سوء انکارها، لجاجتها، پیمان‌شکنیها و بعضی دیگر از معاصی و اشاره به خاتمت نیکوی ایمان و عمل صالح، بر لزوم پیروی از طریق گروه اول - پرهیزکاران - تأکید می‌کند و گویا می‌فرماید: با این نعمت، کفر و نفاق چرا؟ و این بخش تا انتهای آیه 29 ادامه می‌یابد. از آیه 30 تا انتهای آیه 39 گویا با مطرح ساختن داستان خلافت، به کرامت انسانی و با طرح قصه آدم، به آسیب‌پذیری انسان و در عین حال بازبودن راه توبه و امکان بازگشت، اشاره دارد و بدین طریق در عین حال که بر تقوا و لزوم پیمودن راه متقیان تأکید می‌شود خطرهای و آسیب‌های این راه گوشزد می‌گردد. از آیه 40 تا انتهای آیه 123 نمودار روشنی از بی‌تقوایی را در ضمن قصه طولانی و پرفراز و نشیب بنی‌اسرائیل برای پیمان‌شکنان و طاغیان و بی‌تقوایان بیان می‌دارد و از آیه 124 تا انتهای آیه 167، مثال روشن و نمودار شفافی برای متقیان و عابدان و راست‌قامتان در راه حق ذکر می‌گردد و در واقع با ذکر این دو قصه طولانی دو روی سکه اختیار و آزادی کسی که از جریان خلافت طرفی می‌بندد با شفافیت کامل نمایان می‌شود؛ قصه بنی‌اسرائیل برای آن روی سکه که مورد توجه استفهامی فرشتگان بود و با (قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا...) به آن اشارت رفت و قصه ابراهیم و فرزندان پیامبر او برای روی دیگر سکه که در جواب فرشتگان و با جمله (إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) از آن خبر داده شد. به این ترتیب پیوند مجموعه‌ای از آیات (124 تا 167) با مجموعه‌ای دیگر از آیات (40 تا 123) که خطاب (یا بنی‌اسرائیل ...) در صدر آن واقع شده، روشن می‌گردد؛ اولی

نمایانگر خط استقامت و عبودیت است و در ضمن آن قصه تقوا و هدایت و توحید و استواری در راه حق، برجسته می‌شود و دومی بیانگر خط انحراف و ضلالت است و در ضمن آن قصه کژیها و بی‌وفاییها و پیمان‌شکنی‌ها ظهور و بروز می‌یابد.¹²

این نکته نیز قابل توجه است که هر چند ایشان به ظاهر به دو هدف، یکی «هدایت متقین و دعوت به تقوا» و دیگری «مقتضای بندگی خدای سبحان، ایمان به همه پیامبران و همه کتاب‌های آسمانی» اشاره کرده‌اند؛ اما روشن است که هر دو هدف مذکور در حقیقت در طول یکدیگرند. به این معنی که ایمان به همه پیامبران و همه کتاب‌های آسمانی نخستین شرط تقواست و مؤمنی که این مرحله را پشت سر بنهد، صلاحیت پیدا می‌کند که به متقین بپیوندد و در مسیر هدایت ویژه قرار گیرد. بنابراین، هر دو هدف به یک نکته - تقوا و هدایت متقین - اشاره دارند، اما یک هدف به مرتبه نخست و شرط ورود در جرگه متقین اشاره دارد و دیگری به مرتبه نهایی آن یعنی هدایت متقین اشاره می‌کند.

3- سوره آل عمران

آیت الله جوادی آملی هدف اصلی سوره آل عمران را بر اساس جمع میان دو روش کشف هدف سوره - توجه به فضای نزول و آیات غرر - ، «توحید حق و به ویژه توحید افعالی» دانسته‌اند و نوشته‌اند:

«محور اصلی سوره «آل عمران»، با توجه به فضای نزول این سوره و آیات آن، توحید است و محتوای غرر آیات این سوره نیز مباحث توحیدی است. این آیات، افزون بر داشتن فضائل یاد شده، در حکم واسطه العقد این سوره و دارای برجستگی خاصی‌اند و نشان می‌دهند خط اصلی و محوری این سوره تبیین توحید حق، به ویژه توحید افعالی اوست.» (تسنیم، 3/34)

محتوای آیاتی چون (شَهِدَ اللَّهُ) و (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ) که از جایگاهی ویژه برخوردارند، می‌تواند خط اصلی حاکم بر این سوره و به سخن دیگر، هدف سوره را بشناساند، زیرا آیه (شَهِدَ اللَّهُ) در این سوره مانند «آیه الکرسی» در سوره «بقره»، در برابر دیگر آیات به خوبی می‌تابد و نشان می‌دهد که خط اصلی در این سوره،



بیان توحید حق، به ویژه توحید افعالی اوست؛ یعنی حضور و ظهور خدای سبحان را در همه امور برمی‌شمرد. (تسنیم، 13/549)

سوره آل عمران در فضای نازل شد که از یک سو مسلمانان در حوزه داخلی گرفتار منافقان و نیز ساده‌لوحانی بودند که به آنان گوش فرامی‌دادند یا شایعاتی را دامن می‌زدند که از ناحیه دشمنان برای براندازی نظام اسلامی و بی‌اثر کردن دعوت اسلام القا می‌شد، و از سوی دیگر در حوزه خارجی نیز با اجماع جهانی و شورش همگانی مشرکان و اهل کتاب برای مقابله با اسلام‌خواهی روبه‌رو بودند که از به کارگیری هر نوع امکاناتی برای خاموش کردن نور اسلام دریغ نداشتند. در چنین فضایی و برای اصلاح امور مسلمانان و قطع ریشه فساد داخلی و هجوم خارجی، سوره «آل عمران» نازل شد و همه را به توحید کلمه و صبر و پایداری فراخواند. با روشن سازی فضای نزول سوره آل عمران، هدف اصلی این سوره که همان توحید افعالی است، چهره می‌گشاید.

آیت الله جوادی آملی در تایید هدف مذکور برای سوره آل عمران به سخنان دیگر مفسران نیز استناد می‌کند و از امین الاسلام طبرسی؛ نقل می‌کند که بیش از هشتاد آیه ابتدایی سوره درباره ورود هیئتی از نصاری نجران به مدینه و مناظره آنان با رسول خدا ۹ است که از سخنان پیامبر ۹ در آن مناظره، محور بودن توحید در این سوره روشن می‌شود. افزون بر این، صاحب تفسیر مجمع البیان تصریح می‌کند که چون سوره «بقره» با توحید و ایمان پایان می‌یابد، سوره «آل عمران» نیز با توحید و ایمان شروع شده است و باز ذیل آیات 20، 18، 6 و 30 نیز هدف این سوره را توحید دانسته است.¹³

از فحوای سخنان ایشان این نکته برمی‌آید که هدف سوره با همه آیات سوره ارتباط دارد. به دیگر سخن، هدف سوره مانند بندی است که مرواریدهای آیات آن سوره را به یکدیگر متصل می‌سازد و چتر خویش را بر سر هر آیه‌ای می‌گستراند. از این رو باید در هر آیه‌ای به دنبال رنگ و بویی از هدف سوره بود و آیه را در راستای هدف سوره تفسیر کرد. آیت الله جوادی آملی ضمن بحث از تناسب میان آیات یک سوره و تقسیم سوره به بخش‌های جزئی‌تر، پیوسته به ارتباط و پیوند

میان تناسب و هدف فرعی یک بخش از سوره با هدف اصلی مجموع سوره، اشاره می‌کنند و هر بخشی را در ارتباط با هدف اصلی، هدفگذاری می‌کنند. به عنوان نمونه، هنگامی که از تناسب میان آیات 26 و 27 سوره آل عمران سخن می‌گویند، به تناسب میان این دو آیه با پیام کلّ سوره اشاره می‌کنند و این‌گونه توضیح می‌دهند:

«محتوای این دو آیه با مجموعه پیشین یعنی آیات 52 - 91 که ناظر به اهل کتاب، خصوصاً رفتار مغرضانه یهود با اسلام بود، بی‌ارتباط نیست، زیرا در بردارنده تهدید سلب مُلک از آن‌ها و ذلیل و خوار کردن آنان تا قیامت است. افزون بر این، با غرض سوره نیز هماهنگ است، چون غرض سوره فهماندن این مطلب است که خدا قائم بر خلق جهان و تدبیر آن است، پس او مالک مُلک و عطا کننده خیر است و اوست که هر خیر و عزتی را به هر که بخواهد می‌دهد.»
(تسنیم، 13/548)

آیت الله جوادی آملی در جای دیگری به خطوط کلی سوره آل عمران اشاره می‌کنند و بر اساس فضای نزول سوره به تبیین هدف آن می‌پردازند:

«بعید نیست این سوره یکجا نازل شده باشد، زیرا میان آیات آن پیوند و نظم خاص و هدف واحدی حاکم است. هنگام نزول این سوره بر پیامبر 9 مواضع اجتماعی - سیاسی آن حضرت هنوز به خوبی تثبیت نشده بود، چون ماجرای غزوه احد، مباحله با نصارای نجران، گزارشی از کار یهود، برانگیختن مسلمانان بر ضد مشرکان، دعوت مسلمانان به صبر و توصیه یکدیگر به شکیبایی، از مسائلی است که در این سوره آمده است و نشان می‌دهد همزمان با نزول این سوره مسلمانان با همه نیروهای خود گرفتار دفاع از حوزه اسلام بودند. از سویی، یهود و نصارا با فتنه‌گری پراکندگی و سستی را میان آن‌ها رواج می‌دادند و مسلمانان می‌بایست در برابرشان مقاومت می‌کردند و با گفتگو و استدلال از عهده القائات مسموم آنان برآیند و از سوی دیگر با مشرکان کارزار کنند و زندگی آن‌ها به جنگ و ناامنی سپری شود. در این روزها بود که آوازه اسلام در همه جا پیچیده و اجماع جهانی یهود، نصارا و مشرکان بر ضد



مسلمانان شکل گرفته بود و در آن سوی مرزها نیز روم و عجم و ... در کمین نشسته بودند. خدای سبحان در این سوره به مؤمنان حقایق دینشان را یادآور می‌شود؛ آیینی که بشر را به سوی آن هدایت فرمود و حقایقی که مایه پاکدلی و دلگرمی آنان می‌گردد و آلودگی شبهات و وسوسه‌های شیطانی و نیرنگ‌های اهل کتاب را از دل‌هایشان می‌زداید؛ و نیز برای آنان بیان می‌دارد که خدای سبحان از تدبیر ملک خویش غافل نیست و آفریده‌هایش او را ناتوان نتوانند کرد.» (تسنیم، 38-13/37)

ایشان، آیات 189 و 200 سوره آل عمران را که از آیات پایانی قرآن کریم محسوب می‌شوند، بر اساس فنون بلاغت، خلاصه معارف سوره برشمرده‌اند و با توجه به فضای نزول و صدر و ذیل سوره و اسماء الحسنای پایان آیه، دوباره بر هدف این سوره یعنی توحید افعالی تأکید کرده‌اند.

همچنان که پیشتر رفت در سوره مبارکه «آل عمران» صحنه‌هایی گوناگون از ناهنجاری‌های اهل کتاب و نیز کارشکنی‌های منافقان ارائه شده است. وجه مشترک همه آن ناهنجاری‌ها و کارشکنی‌ها رویارویی آنها با اساس اسلام و جلوگیری از نشر و گسترش آیین محمدی ⁹ بوده است. در این سوره به مؤمنان اطمینان داده می‌شود که دشمنان اسلام در رویارویی با اسلام و جلوگیری از نشر و گسترش آیین محمدی ⁹ کاری از پیش نخواهند برد، چون مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خدا و قدرت‌ش بر همه مخلوقات نافذ است.¹⁴

در بخش پایانی سوره و پس از بیان رفتارهای ناپسند، حيله‌ها، نیرنگ‌ها و خباثت‌های اهل کتاب و منافقان درباره اسلام و مسلمانان، گویا جمع‌بندی مجموعه معارف مطرح شده در سوره را در پیش چشم خوانندگان می‌نهد و با ذکر دو صفت از صفات الهی، مضامین آیات پیشین را جمع‌بندی و تعلیل می‌کند. به دیگر سخن، آیه پایانی سوره آل عمران با مجموع آیات این سوره ارتباط و پیوند مفهومی دارد و در واقع راه دستیابی به همه معارف سوره است، چون در این سوره اصول معارف دینی مانند آیات توحیدی (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا...) و (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ) و بسیاری از مسائل فروع دین مانند آیات مربوط به وحی و رسالت، آیه مباهله و آیه

(لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ...) و آیات جهاد آمده است، که لازمه فراگیری آنها داشتن ملکه صبر و استقامت است، از این رو خداوند در آیه پایانی سوره به صبر، مصابره، مرابطه و تقوا فرمان داده است، بنابراین این آیه به منزله ارائه راه‌حل برای نیل به هدف این سوره است.¹⁵

نتیجه‌گیری

- 1- هدف سوره در فهم و تفسیر آیات سوره تأثیرگذار است.
- 2- هر سوره‌ای دارای یک هدف اصلی است.
- 3- هدف کشف کردنی است و از راه‌های گوناگون می‌توان هدف سوره را کشف کرد.
- 4- دستیابی به هدف اصلی همه سوره‌های قرآن کریم امکان‌پذیر است.

پی نوشت ها:

1. زرکشی در البرهان فی علوم القرآن (1/37) فصل کاملی را به این موضوع اختصاص داده و سیوطی نیز در الاتقان فی علوم القرآن (2/108) به این موضوع پرداخته است.
2. جهت اطلاع بیشتر ر. ک: مستنصر میر، پیوستگی سوره تحولی در تفسیر قرآن در قرن بیستم، ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، آینه پژوهش، 107-108، اسفند 1386، 9-2.
3. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. خامه گر، ساختار هندسی سوره های قرآن. مذاکرات حضوری نگارنده با ایشان.
4. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تسنیم، 12/103.
5. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تسنیم، 3/34.
6. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تسنیم، 13/32-34.
7. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تسنیم، 2/33.
8. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تفسیر سوره کهف، جلسه دوم، 1387/10/24.
9. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تفسیر موضوعی، 1/27.
10. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تسنیم، 2/99.
11. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تسنیم، 6/424-425 نیز همان، 8/480.
12. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تسنیم، 13/39.
13. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تسنیم، 16/591.
14. جهت اطلاع بیشتر ر. ک. تسنیم، 16/771-780.



منابع و مأخذ:

- 1- جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم تفسیر قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، قم، جلد یکم تا شانزدهم، سال‌های گوناگون.
- 2- سایت مؤسسه تحقیقاتی اسراء.